

## بررسی تطبیقی میزان استفاده پژوهشگران کشورهای خاورمیانه از شبکه‌های اجتماعی علمی

محمد رضا نیازمند<sup>۱</sup> | سعیده ابراهیمی<sup>۲</sup> | عبدالرسول جوکار<sup>۳</sup>

۱. کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش شناسی niazmmand@yahoo.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز sebrahimi.shirazu@gmail.com

۳. عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز ajowkar2003@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۵/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۲۲

### چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر با هدف شناسایی میزان استفاده پژوهشگران کشورهای خاورمیانه از شبکه‌های اجتماعی علمی و اهداف پیوستن آنها به این شبکه‌ها صورت گرفته است.

**روش پژوهش:** این پژوهش به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای غیر درصدی و با رویکرد پیمایشی - تطبیقی انجام گرفته است. جامعه این پژوهش را محققین کشورهای منطقه خاورمیانه تشکیل دادند که برحسب حجم نمونه پرسش‌نامه برای ۷۲۸ نفر از آنها ارسال شد. پرسش‌نامه به صورت محقق ساخته بوده و ۴۴۴ نفر از محققین به پرسش‌نامه پاسخ دادند. پایایی پرسش‌نامه نیز به روش آلفای کرونباخ با عدد قابل قبول ۰/۷۹ محاسبه شد. به منظور پاسخ‌گویی به سؤال‌های پژوهش از آمار توصیفی، استنباطی و آزمون‌های خی دو و تحلیل واریانس یک راهه استفاده شد.

**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش نشان داد، پژوهشگران کشورهای کویت، امارات متحده عربی و قطر، بیشترین استفاده را از شبکه‌های اجتماعی علمی دارند. همچنین، پژوهشگران کشورهای بحرین، امارات متحده عربی و سوریه بیشترین میزان حضور را در شبکه‌های اجتماعی علمی دارند. نمایانی و افزایش استناد و به اشتراک گذاری مقاله‌ها توسط پژوهشگران کشورهای خاورمیانه، هدف عمده‌ی پیوستن به این شبکه‌ها است.

**نتیجه‌گیری:** در کل، میزان حضور پژوهشگران این منطقه در شبکه‌های اجتماعی علمی، رضایت بخش نیست و جای خود را در میان جامعه مورد مطالعه به خوبی باز نکرده است.

**واژه‌های کلیدی:** شبکه‌های اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی علمی، پژوهشگران خاورمیانه، مشارکت علمی.

مقدمه

یکی از کاربرپسندترین نشانه‌های این نسل از وب که آمار رشد بالایی دارد، شبکه‌های اجتماعی<sup>۱۲</sup> است.

از دیگر سو، امروز به دلیل حجم زیاد اطلاعات تولید شده با پدیده انفجار اطلاعات روبرو هستیم؛ به طوری که لارچ، تد و هارتلی<sup>۱۳</sup> (۱۳۸۲) بیان می‌دارند اطلاعات تولید شده بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰، بیشتر از کلیه اطلاعات تولید شده در پنج هزار سال گذشته بوده است. بنابراین، باید به راه حلی دست یافت که کاربران بر اساس نیازها، در اسرع وقت بتوانند از میان اقیانوسی از اطلاعات آنچه را که می‌خواهند پیدا کنند. گسترش فناوری اطلاعات که کاستلز<sup>۱۴</sup> از آن به عنوان جامعه شبکه‌ای یاد می‌کند، راه‌حلی را در جهت رفع مشکل تولید فراوان اطلاعات در اختیار قرار داده است و این جایی است که پای شبکه‌های اجتماعی به‌خصوص شبکه‌های اجتماعی موضوعی، تخصصی و علمی به میان کشیده می‌شود که پژوهشگران کشورهای مختلف به میزان متفاوت از این شبکه‌ها بهره می‌برند.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند دانشمندان با هدف‌هایی از جمله، انتشار اندیشه‌ها و اطلاعات، بررسی مکاشفات جدید و بحث و ارزیابی حول یافته‌های پژوهشی، اقدام به برقراری ارتباطات با یکدیگر می‌نمایند (زوارقی، ۱۳۸۸). بنابراین، ارتباطات علمی می‌تواند عامل مهمی در تولید دانش، ایجاد اندیشه‌های جدید و کاربرد نتایج علمی در زمینه‌های مختلف باشد.

با توجه به اهمیت پژوهش در پیشرفت علمی جامعه بشری، شرکت‌ها و سازمان‌های مختلف نسبت به راه‌اندازی بانک‌های اطلاعاتی، نمایه‌نامه‌ها، سامانه‌های مدیریت دانش، پژوهش و شبکه‌های اجتماعی تحقیقاتی، اقدام نموده‌اند (بتولی و فهیم‌نیا، ۱۳۹۲). شبکه اجتماعی، به عنوان پدیده‌ای نوظهور یکی از ابزارهایی است که جهت گسترش ارتباط و تعامل افراد با یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد. بوید و الیسون<sup>۱۵</sup> (۲۰۰۷) بیان می‌دارند، این شبکه‌ها به عنوان طیف وسیعی از برنامه‌های

امروزه اینترنت تأثیرات زیادی بر جوامع بشری گذاشته است، به طوری که زندگی بدون آن برای بسیاری از افراد غیرممکن شده است. اینترنت قادر است، بر تمام جنبه‌های زندگی ما، از جمله روابط با دیگران تأثیرگذار باشد (آمیچی هامبورگر و وینیتزکی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). به‌ویژه وب ۱ که طبق تعریف دایره المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، نوعی نظام رایانه‌ای است که از تعدادی خدمت دهنده‌های اینترنت<sup>۲</sup> تشکیل شده و ابزار برای ارتباط، نشر و فراهم‌آوری خدمات اطلاعاتی فراهم کرده است.

از اثرات ناشی از گسترش روز افزون اینترنت در عصر حاضر، می‌توان به نسل بعدی وب که تحت عنوان وب ۲ شناخته می‌شود اشاره کرد. وب ۲ به عنوان یکی از ابزارهای پرکاربرد که نقش به‌سزایی در تعاملات امروز دارد و شامل شماری از خدمات، کاربران و ابزارهاست که از وب به عنوان یک پایگاه جهت افزایش مشارکت استفاده می‌کنند (گودوین<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷). در وب ۲ کاربر صرفاً مصرف‌کننده محتوا نیست؛ بلکه خود او هم در فرآیندی جمعی و غیرمتمرکز به تولید محتوا می‌پردازد. به طور کلی، در چرخه حیات وب نقشی مؤثر ایفا می‌کند (ایزدپناه، ۱۳۸۴). به نظر می‌رسد، وب ۲ نحوه تعامل با منابع اطلاعاتی را متحول کرده است (تری‌دینیک<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶) و باعث سرعت بخشیدن به ارتباطات بشری و تبادل افکار گردیده است (اندرسون<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷). مؤلفه‌هایی جهت شناخت بیشتر وب ۲ وجود دارد، از جمله: بلاگ‌ها<sup>۶</sup>، ویکی‌ها<sup>۷</sup>، خبرخوان‌ها<sup>۸</sup>، پیغام فوری<sup>۹</sup>، سایت‌های نشانه‌گذاری اجتماعی<sup>۱۰</sup> و پادپخش‌ها<sup>۱۱</sup> (گودوین، ۲۰۰۷؛ نیازمند و اولیایی، ۱۳۹۰).

1. Amichi-Humburger & Vinitzky

2. Servers

3. Godwin

4. Tredinnick

5. Anderson

6. Blogs

7. Wikis

8. RSS

9. IM

10. Social Book marking sites

11. Podcasts

12. Online Social Networks

13. Large, Tedd & Hartley

14. Castells

15. Boyd & Ellison

ترتیب بیشترین میزان مطابقت را با ابعاد و مؤلفه‌های سنجش قابلیت‌های یک شبکه اجتماعی دارا هستند.

بتولی و فهیم نیا (۱۳۹۲)، به بررسی قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی تحقیقاتی در مدیریت تولیدهای علمی پژوهشگران، با رویکرد کتابخانه‌ای و ارزیابانه به انتخاب و بررسی چهار شبکه اجتماعی علمی، براساس هشت قابلیت پرداختند. مهم‌ترین قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی را توانمندسازی محققان در انجام و مدیریت تولیدهای پژوهشی آن‌ها می‌دانند. به اشتراک‌گذاری پژوهش، به اشتراک‌گذاری منابع و به اشتراک‌گذاری نتایج را مهم‌ترین کارکرد شبکه‌های اجتماعی در جنبش علم باز، در حال ظهور توصیف می‌کنند.

هو و راشرلا<sup>۱</sup> (۲۰۰۸)، به بررسی ارتباط میان شبکه‌های اجتماعی و تولید علم پرداختند. در این ارتباط چهار مجله‌ی برجسته که دارای ۳۳۱ مقاله و ۴۴۱ نویسنده منحصر به فرد بود را طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ با استفاده از نرم افزار پاژک<sup>۲</sup> به روش پیمایشی و تحلیل شبکه‌های اجتماعی آزمودند. در نهایت نتیجه گرفتند که ارتباط مثبتی بین تولید دانش و شبکه‌های اجتماعی وجود دارد. این شبکه‌ها نه تنها ارتباط بین اعضا را امکان پذیر می‌کنند، بلکه دسترس‌پذیری و تعامل منابع دانش در شبکه را نیز نشان می‌دهند.

بولینگر، هالرستد، رنکن، سولدنر و موسلین<sup>۳</sup> (۲۰۱۰)، شبکه‌های اجتماعی را به عنوان یک برنامه کاربردی می‌دانند که می‌تواند نیازهای خاص محققان را در نظر بگیرد. در این مطالعه ۲۴ مورد شبکه اجتماعی علمی شناسایی شده و اطلاعات به دست آمده به ارائه نوعی طبقه‌بندی سایت‌های شبکه‌های اجتماعی علمی شده است: سایت‌های راهنمای پژوهشی، سایت‌های آگاهی‌رسانی پژوهشی، سایت‌های مدیریت پژوهشی و سایت‌های همکاری پژوهشی.

بوکوا<sup>۴</sup> (۲۰۱۱)، هدف از مقاله‌ی خود را مدیریت حضور آنها و ارائه استراتژی‌هایی در جهت بهبود آن می‌داند. تحقیق

کاربردی است که موجب افزایش تعامل شده و فضای مشترک برای همکاری، ارتباط اجتماعی، مصالح تبادل اطلاعات در یک محیط مبتنی بر وب به وجود آورده است. بنابراین بررسی میزان حضور و استفاده پژوهشگران از شبکه‌های اجتماعی امری ضروری است.

در همین ارتباط، هدف از پژوهش حاضر شناسایی میزان استفاده پژوهشگران کشورهای منطقه خاورمیانه از شبکه‌های اجتماعی علمی و اهداف پیوستن آنها به این شبکه‌ها است. پژوهش‌های داخل کشور در ابتدا بیشتر به مفهوم این شبکه‌ها پرداخته بودند؛ اما در ادامه نقش این شبکه‌ها در نظام آموزش و کارکرد آنها در ارتباطات علمی و مباحث تولید علم، کانون توجه بوده؛ در پیشینه‌های خارج از کشور نیز با استفاده از روش‌های پژوهشی، شبکه‌ها و اثربخشی آنها را تحلیل نموده‌اند و بیشتر جنبه‌ی عمومی این شبکه‌ها مورد توجه بوده است.

خلقتی (۱۳۸۹) شبکه‌های اجتماعی را به عنوان یکی از پرکاربردترین انواع رسانه‌های اجتماعی می‌بیند و با مطالعه مروری و استفاده از نظریه ارتباطات باواسطه رایانه‌ای (سی. ام. سی) نحوه شکل‌گیری، اهداف، دلایل شکل‌گیری و رشد، مشخصه‌های بارز و تحولات اساسی هشت نمونه از شبکه‌های اجتماعی را بیان می‌دارد و، بدین نتیجه می‌رسد که کارکردها و محتوای صفحات کاربری در هر شبکه اجتماعی، ناشی از تعامل پیچیده میان خواست کاربران و تلاش مدیران آن شبکه، در جذب مخاطب و کسب سود است.

حریری و عنبری (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان «سنجش قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی تخصصی وب فارسی و ارائه راه‌کارهای مناسب برای بهینه‌سازی این شبکه‌ها در ایران» را با استفاده از روش پژوهش کتابخانه‌ای و ارزیابانه به انجام رساندند. در این پژوهش، ۱۰ شبکه اجتماعی تخصصی وب فارسی براساس ۴۴ مؤلفه سنجش قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه حاصل این بوده که شبکه‌های «کلوب»، «متخصصین ایران» و «دوره» به

1. Hu & Racherla

2. Pajek

3. Bullinger, Hallersted, Renken, Soeldner & Moeslein

4. Bukvova

وی مبتنی بر پژوهش‌های تجربی موجود و نظریه مدیریت برداشت گافمن<sup>۱</sup> است. وی تأکید زیادی بر ایجاد صفحه شخصی توسط محققین و دانشمندان در صفحات وب سازمان خودشان، شبکه‌های اجتماعی و به اشتراک گذاری اندیشه آنها دارد و نتیجه می‌گیرد، برای استفاده بهتر امکانات سایت نیاز است تا دانشمندان با آنها آشنایی داشته و برای دست‌بندی تماس‌ها و افراد مخاطب خود وقت بگذارند که این کار به نوبه‌ی خود باعث نمایانی<sup>۲</sup> بیشتر آن محقق یا دانشمند و مدارک تولید شده توسط او می‌گردد.

لی، تلوال و جیوستینی<sup>۳</sup> (۲۰۱۲)، در پژوهشی ارتباط معنی‌داری بین تعداد دانشمندان کاربران سایت یولایک و مندلی و استنادهای پایگاه استنادی علوم یافتند که سامانه‌های نشانه‌گذاری‌های اجتماعی می‌توانند منبع باارزشی برای اندازه‌گیری تأثیر پژوهش‌ها، از نقطه‌نظر خوانندگان باشد.

ناندز و بورگو<sup>۴</sup> (۲۰۱۳)، در پژوهشی با عنوان «استفاده از شبکه‌های اجتماعی به منظور اهداف علمی»، به بررسی صفحه شخصی تعدادی از دانشجویان دکتری و اعضای هیأت علمی ۱۲ دانشگاه اسپانیا پرداختند. نتیجه یافته‌های این تحقیق نشان داد که به طور کلی، هدف دانشگاهیان مورد مطالعه از حضور در شبکه‌های اجتماعی علمی، برقراری ارتباط با دیگر محققین، انتشار نتایج پژوهش‌های خود و پی‌گیری کارهای محققان است.

اکثر پژوهش‌هایی که در حوزه شبکه‌های اجتماعی انجام می‌گیرد، بر شبکه‌هایی است که جنبه‌ی عمومی بیشتری دارند؛ و محققان انگیزش ورود به این شبکه‌ها و اثرگذاری حضور بر جنبه‌های مختلف زندگی را به عنوان موضوعی برای پژوهش انتخاب کردند. دسته‌ی دیگر پژوهش‌ها، بر تحلیل شبکه‌های اجتماعی که به ساختار این شبکه‌ها و پیوندهایی که میان اعضا وجود دارد توجه دارند، اما آنچه مسلم است، مدت زمان زیادی از حضور این شبکه‌ها در فضای مجازی نمی‌گذرد و

قابلیت‌های آنها پژوهش‌های بیشتری را می‌طلبد. پژوهش در امر شبکه‌هایی که جنبه علمی را دنبال می‌کنند، کمتر صورت گرفته است؛ همان شبکه‌هایی که هدف آنها پیوند میان جامعه‌ی علمی به منظور کمک به آنها در فرایند تولید علم است. بنابراین، ضرورت دارد که محققان بیشتر به این مقوله برای انجام پژوهش‌ها توجه کنند. سؤال‌های پژوهش حاضر شامل:

۱. محققین کدام کشورهای خاورمیانه بیشترین استفاده را از شبکه‌های اجتماعی علمی طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ دارند؟

۲. چه درصدی از محققین هر یک از کشورهای خاورمیانه در شبکه‌های اجتماعی علمی حضور دارند؟

۳. محققین کشورهای منطقه خاورمیانه به چه منظوری از شبکه‌های اجتماعی علمی استفاده می‌کنند؟

۴. آیا بین جنسیت پژوهشگران منطقه خاورمیانه و حضور یا عدم حضور در شبکه‌های اجتماعی علمی رابطه معنی‌داری وجود دارد؟

۵. آیا بین استادان دارای مرتبه علمی متفاوت (مربی، استادیار، دانشیار، استاد) از نظر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

#### روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش، از نوع رویکرد پیمایشی- تطبیقی با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای غیردرصدی است. گردآوری داده‌ها از طریق ابزار پرسش‌نامه محقق ساخته و به روش الکترونیکی در محیط پیوسته جمع‌آوری شده است. جامعه پژوهش را تمامی پژوهشگران ۱۳ کشور خاورمیانه که حداقل دو مقاله آنها در پایگاه استنادی تامسون روتیز، در بین سال‌های ۲۰۰۸ الی ۲۰۱۲ نمایه شده بود، دربرمی‌گیرد. این پایگاه به دلیل اعتبار بسیار زیاد در سطح جهانی و نمایه شدن پژوهش‌ها و مقالات معتبر دنیا در آن، جامعه پژوهش مورد بررسی از میان پژوهشگران این پایگاه انتخاب شدند. در این پژوهش از آمار توصیفی، استنباطی و

1. Guffman

2. Visibility

3. Li, Thelwall & Giustini

4. Nández & Borrego

در همان جا ذخیره کنید و یا یک فایل متنی را در آنجا بارگذاری کنید و سپس به ویرایش و یا مطالعه آن پردازید. طراحی شد و برای محققین از طریق پست الکترونیکی ارسال گردید. پس از دو بار پیگیری در فواصل مختلف، از میان ۷۲۸ پرسشنامه ارسال شده، ۴۴۴ پژوهشگر پاسخ گفتند. داده‌ها جهت تجزیه و تحلیل و تعیین پایایی، وارد نرم‌افزار آماری علوم اجتماعی (اس‌پی‌اس‌اس) نسخه ۱۶ شد؛ پس از اجرای روش آلفای کرونباخ عدد پایایی ۰/۷۹ بدست آمد که قابل قبول بود. همچنین پس از ارسال پرسشنامه برای ۱۰ نفر از متخصصان علم اطلاعات و دانش‌شناسی (اعضای هیأت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی) و اعمال نظرهای آنها در پرسشنامه، روایی به روش صوری انجام گرفت.

#### یافته‌های پژوهش

در بررسی میزان استفاده پژوهشگران کشورهای منطقه خاورمیانه از شبکه‌های اجتماعی علمی در جدول یک نشان داده می‌شود.

جدول ۱. استفاده از شبکه‌های اجتماعی علمی برحسب کشورهای

مختلف (برحسب ساعت در هفته)

| نام کشور         | میانگین استفاده | انحراف استاندارد |
|------------------|-----------------|------------------|
| کویت             | ۱۰/۰۷           | ۱/۲۴             |
| امارت متحده عربی | ۹/۹۰            | ۱/۴۹             |
| قطر              | ۹/۸۸            | ۱/۵۱             |
| سوریه            | ۹/۸۰            | ۱/۵۸             |
| اردن             | ۹/۸۰            | ۱/۲۲             |
| مصر              | ۹/۷۱            | ۱/۷۴             |
| یمن              | ۹/۶۱            | ۱/۵۰             |
| عراق             | ۹/۴۵            | ۱/۲۸             |
| لبنان            | ۹/۴۴            | ۰/۸۹             |
| ایران            | ۹/۴۴            | ۱/۱۹             |
| بحرین            | ۹/۳۳            | ۱/۴۵             |
| عمان             | ۹/۱۰            | ۱/۴۵             |
| عربستان سعودی    | ۹/۰۸            | ۱/۳۸             |

آزمون‌های خی<sup>۲</sup> و تحلیل واریانس یک راهه استفاده شده است. همچنین به دلیل تعدد زیاد پژوهشگران حوزه‌ی خاورمیانه که بالغ بر ۹۱ هزار نفر بوده‌اند، ابتدا نمونه‌گیری به روش طبقه‌ای درصدی انجام شد. اما، در این روش با توجه به تفاوت قابل ملاحظه بین تعداد محققین کشورها و تشخیص حجم نمونه خیلی کم برای برخی از کشورها، در نهایت عدم قابلیت مقایسه آنها با یکدیگر به لحاظ حضور در شبکه‌های اجتماعی علمی، از شیوه‌ی نمونه‌گیری طبقه‌ای غیردرصدی استفاده شد. بر مبنای جدول مورگان تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه پژوهش در نظر گرفته شد؛ اما با توجه به ویژگی‌های خاص پژوهش، از جمله دسترسی به پاسخ‌گویان تنها از طریق پست الکترونیکی و پایین بودن درصد پاسخ از این طریق، حجم نمونه به میزان دوبرابر افزایش یافت. شافر و دیلمن<sup>۱</sup> (۱۹۹۸)، جکسون و دکورمیر<sup>۲</sup> (۱۹۹۹) و شیهان<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) نیز افزایش حجم نمونه در پژوهش‌های اینترنتی را تا دو برابر تأیید می‌نمایند. بدین ترتیب از هر کشور ۵۶ پژوهشگر به عنوان نمونه به صورت تصادفی انتخاب شد و پرسشنامه برای آنها ارسال گردید. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه و از نوع محقق ساخته است. طی جست‌وجوها و بررسی‌های انجام شده توسط محقق، بهترین و نزدیک‌ترین پرسشنامه به تحقیق حاضر، پرسشنامه‌ای بود که توسط مدهوسوهان<sup>۴</sup> (۲۰۱۲) ساخته شده بود. پرسشنامه‌ی این پژوهشگر به عنوان پایه ساخت پرسشنامه‌ی اصلی قرار گرفت که با توجه به هدف این پژوهش و نیز قابلیت و ابزارهایی که شبکه‌های اجتماعی علمی در اختیار کاربران قرار می‌دهند، تغییراتی در برخی پرسش‌های آن اعمال شد. این پرسشنامه با استفاده از خدمات رایگان مدارک گوگل (مدرک گوگل یک خدمت تحت وب از مجموعه خدمات گوگل است، در مدرک گوگل شما می‌توانید اسناد متنی تولید و یا ایجاد کنید؛ مانند: یک سند متنی با قالب Word، Excel، PDF و... سپس آن را

1. Schaefer & Dillman

2. Jackson & DeCormier

3. Sheehan

4. Madhusudhan

جدول ۳. اهداف محققان در استفاده از شبکه‌های اجتماعی

| علمی    |              | اهداف                                |
|---------|--------------|--------------------------------------|
| فراوانی | درصد فراوانی |                                      |
| ۲۹      | ۸/۱          | شروع یک پروژه علمی جدید              |
| ۴۸      | ۱۳/۱         | تبادل نظر و گفت‌وگوی علمی            |
| ۵۲      | ۱۴/۴         | اشتراک گذاری مقالات                  |
| ۱۷      | ۴/۷          | پیدا کردن شغل جدید                   |
| ۹۵      | ۲۶/۴         | افزایش نمایانی و استناد انتشارات خود |
| ۳۵      | ۷/۹          | آگاهی از همایش‌ها                    |
| ۸۴      | ۲۳/۳         | انتخاب دو یا بیش از دو هدف           |
| ۳۶۰     | ۱۰۰          | جمع                                  |

در جدول ۳، در بررسی اهداف علمی استفاده از شبکه‌های اجتماعی علمی توسط محققین کشورهای خاورمیانه، نتایج نشان داد که حدود ۲۳ درصد از افراد گروه نمونه به انتخاب بیش از یک هدف در استفاده از شبکه‌های اجتماعی علمی دست زدند. هم چنین، حدود ۲۶ درصد از افراد گروه نمونه، از شبکه‌های اجتماعی علمی تنها به منظور نمایانی و افزایش استناد انتشارات خود استفاده می‌کنند؛ سپس اشتراک گذاری مقاله‌ها، مهم‌ترین اهداف محققان در استفاده از شبکه‌های اجتماعی علمی بوده است.

جدول ۴. اطلاعات پاسخ‌گویان بر حسب حضور در شبکه‌های

| اجتماعی علمی |      | وضعیت حضور |
|--------------|------|------------|
| فراوانی      | درصد |            |
| ۳۶۰          | ۸۱   | حضور       |
| ۸۴           | ۱۹   | عدم حضور   |
| ۴۴۴          | ۱۰۰  | جمع        |

جهت بررسی رابطه بین جنسیت و حضور یا عدم حضور در شبکه‌های اجتماعی علمی، از آزمون خی دو، دو متغیره استفاده گردید. نتایج نشان داد که بین محققین زن و مرد به لحاظ

یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که محققین کشورهای کویت با میانگین ۱۰/۰۷ ساعت در هفته، امارات متحده عربی با میانگین ۹/۹۰ ساعت در هفته و قطر با میانگین ۹/۸۸ ساعت در هفته، بیشترین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی علمی را به خود اختصاص دادند؛ سپس به ترتیب محققین کشورهای اردن، سوریه، مصر، یمن، عراق، لبنان، ایران، بحرین، عمان و عربستان سعودی بیشترین استفاده را از شبکه‌های اجتماعی علمی داشته‌اند.

جدول ۲. فراوانی و درصد فراوانی حضور محققان در

شبکه‌های اجتماعی علمی به تفکیک کشور

| نام کشور          | درصد حضور |
|-------------------|-----------|
| امارات متحده عربی | ۹۳        |
| بحرین             | ۹۱/۴      |
| سوریه             | ۸۷        |
| اردن              | ۸۶        |
| مصر               | ۸۴        |
| عربستان سعودی     | ۸۱/۵      |
| کویت              | ۸۱        |
| عراق              | ۸۰        |
| عمان              | ۷۸        |
| یمن               | ۷۸        |
| قطر               | ۷۳/۵      |
| ایران             | ۶۹        |
| لبنان             | ۶۱/۵      |

یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد، حدود ۹۳ درصد از محققین گروه نمونه کشور امارات متحده عربی، ۹۱/۴ از محققین بحرین، ۸۷ درصد از محققین سوریه، در گروه نمونه پژوهش حاضر، در شبکه‌های اجتماعی علمی حضور دارند.

این کشور به طور عمده با کشورهای آمریکایی همکاری‌های علمی داشته‌اند (کریمی، علیجانی و وزیری، ۱۳۹۰) که به نظر می‌رسد، این مهم مدیون گسترش ارتباطات علمی کشور کویت است. طی چند سال گذشته و از زمانی که ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی در تحقیق و آموزش شناخته شد، دولت این کشور دست به برگزاری همایش‌های سالانه و برگزاری کارگاه‌های مختلف آموزشی مانند Government Social Media زده است و پژوهشگران را به استفاده هر چه بیشتر از این فناوری تشویق می‌کند. همچنین اکثر وبگاه‌های علمی و دانشگاهی آنها نیز چند پیوند به شبکه‌های اجتماعی مهم دارند. کشور امارات متحده عربی نیز به عنوان یک کشور مهم به جهات گوناگون در منطقه خاورمیانه تلقی می‌شود؛ مشاهده می‌کنیم که طی سی سال گذشته، به چه تغییرات بزرگی دست زده است و سرمایه‌گذاری خود را از نفت به سمت دانش سوق داده است. شاید وجود دانشگاه‌های معتبر آمریکایی در این امر نیز دخیل باشد. حضور استادان این دانشگاه‌ها بدون شک به تولید علم این کشور کمک بزرگی کرده است. شواهد این امر را می‌توان در مقاله‌ی دیدگاه و دیدگاه (دیدگاه و دیدگاه، ۱۳۹۰) مشاهده کرد. کشور امارات متحده عربی که در دهه ۸۰ میلادی رشد تولید علم منفی یک را داشته است، در دهه‌ی اول سال ۲۰۰۰ با رشد چشم گیر ۱۴/۹ جهشی بزرگ را تجربه کرده است.

وجود زیرساخت‌های لازم و در اختیار گذاشتن امکانات ارتباطی از جمله ملزومات اولیه‌ای است که برای آنها از طرف دولت فراهم می‌گردد. بنابراین حضور و استفاده از شبکه‌های اجتماعی به عنوان یک عامل ارتباط علمی مهم در همکاری علمی آنها امری عادی تلقی می‌شود. در مورد کشورهای امارات متحده عربی و قطر نیز با اندکی تفاوت وضعیت به همین منوال است. نکته قابل توجه، بررسی میزان استفاده پژوهشگران کشورمان، به لحاظ میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی علمی از متوسط میانگین استفاده نیز پایین‌تر قرار دارند و در رتبه دهم هستند؛ به نظر می‌رسد ارتباطات، در جهت مقاصد علمی، از طریق این شبکه‌های ارتباط علمی

حضور در شبکه‌های اجتماعی علمی رابطه معنی‌داری وجود ندارد ( $X^2=2/51$   $p=0/44$ )

جدول ۵، میانگین و انحراف استاندارد میزان استفاده محققین کشورهای خاورمیانه به تفکیک مرتبه علمی را نشان می‌دهد.

جدول ۵. میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی علمی به تفکیک

| مرتبه علمی |                      |                 |                  |
|------------|----------------------|-----------------|------------------|
| مرتبه علمی | فراوانی تعداد محققین | میانگین استفاده | انحراف استاندارد |
| مربی       | ۲۹                   | ۱۰/۰۳           | ۱/۴۳             |
| استادیار   | ۱۵۵                  | ۹/۶۷            | ۱/۲۸             |
| دانشیار    | ۱۵۵                  | ۹/۳۹            | ۱/۵۴             |
| استاد      | ۲۱                   | ۹/۷۱            | ۱/۵۹             |
| جمع        | ۳۶۰                  | ۹/۵۸            | ۱/۴۳             |

معنی‌داری این تفاوت با استفاده از روش تحلیل واریانس یک راهه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین هیچ کدام از محققین با درجات علمی مختلف، در میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی علمی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ( $F=2/193$ ,  $p=0/08$ ).

### بحث و نتیجه گیری

تولید دانش و شناسایی عوامل مؤثر بر آن، در منطقه خاورمیانه همواره مورد توجه بوده و مقایسه کشورهای این منطقه در حوزه‌های مختلف علمی را طی سال‌های مختلف به دنبال داشته است. کشور کویت در دوران معاصر به جهات مختلف سیاسی، اقتصادی و علمی از اهمیت خاصی در منطقه خاورمیانه برخوردار و رشد تولید علم آن همواره زیر ذره‌بین پژوهشگران بوده؛ به طوری که در مقایسه با سایر کشورهای منطقه خاورمیانه حرفی برای گفتن داشته است.

رشد تولید علم این کشور که در بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹، ۴/۳ بود، با رشد ۱/۶ درصد در دهه‌ی اول سال ۲۰۰۰ به ۵/۹ رسید (دیدگاه و دیدگاه، ۱۳۹۰). همچنین پژوهشگران

همچنین، یافته‌ها نشان داد بیش از یک چهارم (۲۶ درصد) از اهداف محققان کشورهای خاورمیانه از حضور در شبکه‌های اجتماعی علمی مربوط به نمایانی و افزایش استناد است.

رابطه مستقیم تعداد استناد با شاخص‌های ارزیابی کمی مولدان علم، آنها را مجبور کرده تا از راه‌های مختلف به این مهم، توجه بیشتری کنند. از ارتباط‌های علمی رسمی، مانند مجلات علمی با سطوح اعتباری مختلف در هر رشته؛ تا ارتباط‌های علمی غیررسمی، مانند بارگذاری انتشارها در فضای مجازی توسط محقق را می‌توان به عنوان ابزارهایی در نظر گرفت که شانس نمایانی و دریافت استناد را بیشتر می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی علمی نیز به عنوان یکی از این ابزارهای جدید در این راستا سودمند است.

از دلایل این‌که محققان کشورهای خاورمیانه، نمایانی و افزایش استناد را بیش از دیگر اهداف در پیوستن به شبکه‌های اجتماعی علمی در نظر می‌گیرند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

کشورهای جهان سوم، به طور اخص تر خاورمیانه، با مشکل دسترس‌پذیر ساختن علم داخلی خود مواجه هستند. شانس پذیرش بخش عمده‌ای از مقاله‌های پژوهشگران این منطقه در مجلات معتبر بین‌المللی پایین است (عطارها، ۱۳۸۸) و بیشتر به انتشارات داخلی آن کشور محدود می‌شود؛ در نتیجه‌ی آن، استنادات دریافتی محققان به شکل چشمگیری کاهش می‌یابد.

از دیگر سو، ممکن است تغییر در نوع ارزیابی علمی پژوهشگران توسط مؤسسات تحقیقاتی با استفاده از ابزارهای جدید (به دلیل ورود فناوری و تأثیر آن در جنبه‌های مختلف علمی و حتی تعداد استناد)، به عنوان جایگزین شاخص‌های سنتی و یا مکمل تحلیل استنادی، به منظور بهبود نحوه ارزیابی پژوهشگران کشورهای در حال توسعه، از دیگر عوامل پیوستن به شبکه‌های اجتماعی علمی باشد. یافته‌های این بخش از پژوهش با یافته‌های مادھوسان (۲۰۱۲)، بولینگر و همکاران (۲۰۱۰) و بوکووا (۲۰۱۱) هم‌خوانی دارد.

آن‌چنان صورت نمی‌گیرد و با توجه به رشد سریع تولید علم توسط پژوهشگران ایرانی، هنوز روش‌های سنتی ارتباطی بیشتر مدنظر است. یافته‌های این بخش از پژوهش با یافته‌های بوکووا (۲۰۱۱) هم‌خوانی دارد.

سهم ۷/۵ درصدی ایران از حضور در شبکه‌های اجتماعی علمی در میان کشورهای خاورمیانه، نشان از کم توجهی به این مقوله است. نکته قابل اهمیت اینکه، جایگاه ایران و تولیدهای علمی کشور که در چند سال اخیر رشد شتابانی به خود گرفته و قبل از برنامه چشم انداز بیست ساله (۱۴۰۴) در این زمینه به اهداف خود رسیده است. متأسفانه، علی‌رغم تأکید فراوان بر مشارکت علمی، به نظر می‌رسد، توجه به اینکه شبکه‌های اجتماعی علمی می‌توانند در همکاری‌ها و ارتباطات علمی نقش مؤثری در تولید و تبادل‌های علمی داشته باشند، مورد غفلت واقع شده است. چند دلیل را شاید بتوان در این موضوع دخیل دانست؛ از جمله آگاهی کمتر پژوهشگران کشورمان نسبت به قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی علمی در امر آموزش، به خصوص آموزش از راه دور یا آموزش الکترونیکی، فقدان روحیه همکاری و عدم اعتماد به نفس در استفاده از این فناوری.

جایگاه دوم و سوم کشورهای بحرین و سوریه در میزان حضور را شاید بتوان از جنبه‌ی سیاسی بررسی کرد. اتفاق‌های چند ساله‌ی اخیر منطقه خاورمیانه که با نام بیداری اسلامی از آن یاد می‌شود، بر جنبه‌های مختلف علمی نیز اثرگذار بوده است؛ از جمله انتشارات محققان، همکاری و ارتباطات علمی. با احتمال می‌توان بیان کرد حضور بیشتر پژوهشگران این کشورها در شبکه‌های اجتماعی علمی به عنوان یک راه‌کار، به منظور جلوگیری از وقفه‌ی کارهای علمی آنها در نظر گرفته شده است. این بخش از پژوهش با یافته‌های مادھوسان (۲۰۱۲) از هند هم‌خوانی دارد؛ او نیز نتیجه گرفت، پژوهشگران جامعه مورد مطالعه نسبت به قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی از آگاهی کمتری برخوردارند.



می‌دهند و به‌طور معمول پژوهشگران باید به لحاظ اطلاعاتی به روز باشند تا بتوانند در آموزش و پژوهش موفق عمل کنند، آشنایی پژوهشگران با سابقه که شاید کمتر از فناوری‌های اطلاعاتی استفاده کردند، امری ضروری است. برگزاری کارگاه‌های آموزشی یکی از راه‌هایی است که می‌تواند به آنان کمک کند. به نظر می‌رسد، در پژوهش حاضر افراد با مرتبه علمی متفاوت نسبت به پدیده شبکه‌های اجتماعی به عنوان یک فناوری آشنا هستند.

امروزه تولیدهای علمی، در سایه مشارکت علمی، تحقق می‌یابد و نقش فناوری‌های جدید در این میان انکارناپذیر است. در عصر اطلاعات و ارتباطات که تولیدهای علمی کاملاً مشهود است، متخصصان و دانشمندان مجبورند به سوی ارتباطات بیشتر و همکاری علمی روی آورند. شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان یکی از مهمترین عناصر ویرایش جدید وب، از جمله ابزارهایی است که مورد توجه طیف وسیعی از افراد قرار گرفته است. شبکه‌های اجتماعی علمی طراحی شده، پژوهشگران را بیش از پیش به یکدیگر نزدیک کرده‌اند. در پژوهش حاضر نشان می‌دهد این شبکه‌ها، جای خود را در میان جامعه مورد مطالعه به خوبی باز نکرده است و پژوهشگران هنوز آن را به عنوان یک مجرای ارتباط علمی مهم تلقی نمی‌کنند. عدم اعتماد افراد به یکدیگر در دنیای مجازی، عدم شناخت کافی این شبکه‌ها، غیرانگلیسی بودن زبان مادری پژوهشگران و مناسب نبودن زیرساخت‌های فناوری اطلاعات مهم‌ترین عوامل کم‌رنگ بودن نقش شبکه‌های علمی پیوسته در فعالیت‌های علمی پژوهشگران کشورهای خاورمیانه است. همچنین، اتخاذ تدابیری توسط دست‌اندرکاران و سیاستگذاران امر پژوهش، در جهت تسهیل دسترسی به شبکه‌های اجتماعی علمی، معرفی مزایا و چگونگی استفاده از این شبکه‌ها در رسانه‌های مختلف و استفاده از همه امکانات و ابزارهای مناسب جهت ترغیب جامعه علمی کشورمان به استفاده از این شبکه‌ها پیشنهاد می‌شود.

جنسیت در شبکه‌های اجتماعی نقش دارد (راکی و بوندزراکی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸؛ تلوال و کوشا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳). در سال‌های اول شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی، زنان (دانشجویان آمریکایی) بیش از مردان در این شبکه‌ها عضو بودند (هارگیتای<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷). بررسی‌های سال ۲۰۱۲ نیز ادامه حضور بیشتر زنان را تأیید کرد؛ به طوری که ۶۲ درصد از مردان و ۷۱ درصد از زنان حداقل عضو، یک شبکه اجتماعی هستند (برنر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳).

این نکته که شبکه‌ها صرفاً علمی هستند و مطالبی که رد و بدل می‌کنند، از این نگاه نگریسته می‌شود که جنسیت افراد در این گونه مباحث تأثیرگذار نبوده است و چه بسا یک پژوهش را می‌طلبد که این مورد را بیشتر بررسی نماید، تا به این نتیجه برسد که آیا حضور زنان و مردان باعث تبادل نظرهای متفاوت به نتیجه‌گیری‌های متفاوت می‌انجامد یا خیر. از دیگر سو، با توجه به این‌که رابطه معنی‌داری از لحاظ حضور یا عدم حضور با جنسیت آنها، در شبکه‌های اجتماعی علمی وجود ندارد، به نظر می‌رسد، بحث نابرابری قدرت علمی به لحاظ جنسیت تمام شده است و زنان پا به پای مردان در عرصه‌های علمی حضور موفق دارند. یافته‌های این بخش از پژوهش با یافته‌های ناندز و بورگو (۲۰۱۳) با جامعه پژوهشی دانشگاه بارسلون، هم‌سو است؛ اگر چه جامعه‌ی پژوهش این تحقیق متفاوت بوده است.

یافته‌ها همچنین نشان داد که بین هیچ کدام از محققین با درجات علمی مختلف، در میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی علمی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد؛ شاید بتوان این مهم را نتیجه‌ی تأثیر فناوری‌های جدید بر تمام افراد فارغ از مرتبه‌ی علمی دانست. اعضای هیأت علمی و پژوهشگرانی که در مراکز علمی استخدام می‌شوند، قاعدتاً با فناوری‌های اطلاعاتی آشنا هستند، چرا که در مقاطع تحصیلی گذشته خود، به ناچار با این پدیده آشنا شدند و از آنها استفاده کردند. از آنجا که مؤسسات تحقیقاتی علم و دانش را سرلوحه کار خود قرار

1. Raacke & Bonds-Raacke

2. Thelwall & Kousha

3. Hargittai

4. Brenner

منابع

- March/Pew-Internet-Social-Networkingfull-detail.aspx.
- Bukvova, H. (2011). Online Impression Management for Scientists. *Sprouts: Working Papers on Information Systems*, 11(140), Retrieved Nov. 20, 2013 from <http://sprouts.aisnet.org/11-140>.
- Bullinger, A. C.; Hallersted, S. H.; Renken, U., Soeldner, J.; Moeslein, K. M. (2010, August). *Towards Research Collaboration- a Taxonomy of Social Research Network Sites*. Paper presented at the Peru for 16th Americas Conference on Information Systems.
- Godwin, p. (2007, May). *The web 2.0 challenge to information literacy*. Paper presented at the Prague for 13th Conference on Professional Information Resources.
- Hargittai, E. (2007). Whose space? Differences among users and non-users of social networksites. *Journal of Computer-Mediated Communication*, 13(1), 276-297.
- Hu, C.; Racherla P. (2008). Visual representation of knowledge networks: A social network analysis of hospitality research domain. *International Journal of Hospitality Management*, 27(1), 302-312.
- Jackson, A.; DeCormier, R. (1999). E-mail survey response rates: targeting increases response. *Marketing intelligence and planning*, 17(3), 135-139.
- Katz, J.S.; Martin, B.R. (1997). What is Research Collaboration?. *Research Policy*, 26(4), 1-18.
- Li, J. H.; Shao, X. Y.; Long, Y. M.; Zhu, H. P.; Schlessman, B. R. (2012). Global optimization by small-world optimization algorithm based on social relationship network. *Journal of Central South University*, 19(8), 2247-2265.
- Madhusudhan, M. (2012). Use of social networking sites by research scholars of the University of Delhi: A study. *The international Information and library Review*, 44(2), 100-113.
- Nández, G.; Borrego, A. (2013). Use of social networks for academic purposes: a case study. Retrieved Nov. 19, 2013 from: <http://emeraldinsight.com>. Pre print
- Raacke, J.; Bonds-Raacke, J. (2008). MySpace and Facebook: Applying the uses and gratifications theory to exploring friend-networking sites. *CyberPsychology & Behavior*, 11(2), 169-174.
- ابراهیمی، ق. (۱۳۷۲). اجتماع علمی، ساختار و هنجارهای آن. فصلنامه سیاست، ۵.
- ایزدپناه، پ. (۱۳۸۴). وب ۲ شوق یک جهان نو. ماهنامه شبکه، ۸(۶۳)، ۲۱۵.
- بتولی، ز؛ فهیم نیا، ف. (۱۳۹۲). قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی تحقیقاتی در مدیریت تولیدات علمی پژوهشگران. مجموعه مقالات همایش محتوای ملی در فضای مجازی.
- حریری، ن؛ عنبری، ا.م. (۱۳۹۰). سنجش قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی تخصصی وبی فارسی و ارائه راهکارهای مناسب برای بهینه سازی این شبکه‌ها در ایران. فصلنامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ۲۸(۲). قابل دسترس در: <http://jipm.irandoc.ac.ir>
- خلقتی، م. (۱۳۸۹). شبکه‌های اجتماعی، پیدایش و تحولات. فصلنامه کتاب مهر، ۱(۱)، ۹-۲۱.
- دیدگاه، ف؛ دیدگاه، آ. (۱۳۹۰). بررسی انتشارات علمی کشورهای خاورمیانه در نمایه استنادی علوم اجتماعی طی ۳۰ سال اخیر. فصلنامه علوم و فناوری اطلاعات، ۳(۲۶)، ۷۱۷-۷۳۴.
- عطارها، ح. (۱۳۸۸). بررسی جهت‌گیری‌های موضوعی در تولیدات علمی ایران و کشورهای خاورمیانه در نمایه گسترش یافته استنادی علوم در سالهای ۱۹۹۸-۲۰۰۷. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع رسانی، دانشگاه شیراز، شیراز.
- کرمی، ن؛ علیجانی، ر؛ وزیری، ا. (۱۳۸۹). ده سال تولید علم در خاورمیانه بر اساس داده‌های پایگاه اطلاعاتی آی. اس. آی (۱۹۹۸ الی ۲۰۰۷). فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ۱(۱۷)، ۱۲۳-۱۴۸.
- لارچ، ا؛ تد، ل؛ هارتلی، ر. ج. (۱۳۸۲). جستجوی اطلاعات در عصر اطلاعات: اصول و روش‌ها. (زاهد بیگدلی، مترجم). تهران: کتابدار
- نیازمند، م.ر؛ اولیایی، س. (۱۳۹۰). نقش وب ۲ در سواد اطلاعاتی. ارائه شده در سیزدهمین همایش دانشجویی کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاه الزهراء، ۲۷ و ۲۸ اردیبهشت.
- Amichai -Hamburger, Y.; Vinitzky, G. (2010). Social network use and personality. *Computers in Human Behavior*, 26 (2), 1289-1295.
- Brenner, J. (2013). Pew internet: Social networking. Retrieved April 7, 2013 from: <http://pewinternet.org/Commentary/2012/>

- Schaefer, D. R.; Dillman, D. A. (1998). Development of a standard e-mail methodology: Results of an experiment. *Public Opinion Quarterly*, 3 (62), 378–390.
- Sheehan, K.B. (2001). E-mail Survey Response Rates: A Review. *Journal of Computer-Mediated Communication*, 6(2).
- Thelwall, M.; Kousha, K. (2013). Academia.edu: social network or Academic Network?. *Journal of the American Society for Information Science and Technology*. pre print. Retrieved Dec. 12, 2013 from: <http://sciencedirect.com>
- Tredinnick, L. (2006). Web2.0 and Business: A pointer to the intranetsof the future?. *Business Information Review*, 23(24), 228-234. Retrieved from: <http://bir.sagepub.com/cgi/reprint/23/4/228>





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی